



پروفسور گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

■ حمیدرضا جلانی پور

جهانی شدن و

آرمان جنبش دوم خرداد



جامعه مدرن (یا صنعتی) از ابتدای تکوینشان، یعنی از چهار قرن پیش، ابعاد جهانی داشته‌اند، ولی پدیده جهانی شدن ابعاد جهانی جامعه مدرن را بیشتر آفتابی و همه‌جائی کرده است.

این پدیده حکایت از یک «بافت پیچیده» چند بعدی، به هم مرتبط و به هم وابسته‌ای دارد که بواسطه آن حوادث و تصمیماتی که در فاصله بسیار دوری از ما اتفاق می‌افتند به طور فزاینده‌ای بر زندگی روزانه ما تأثیر می‌گذارند - این «ما» یعنی من، خانواده و فامیل من، گروه، شهر، کشور و جهان من. (۲) گویی این «بافت پیچیده» آحاد بشر را با جامعه‌ای جدید روبرو کرده است.

جامعه شناسان متاخر کوشش زیادی برای فهم این جامعه و جهانی که در معرض عمل این «بافت پیچیده» است مصروف کرده‌اند. اما هنوز این کوششها استقرار نیافته و نظرات آنان گوناگون و متفرق است. بعنوان مثال عده‌ای معتقدند ظهور جامعه جهانی شده فریبی بیش نیست و در واقع جهانی شدن، ایدئولوژی گروه‌های نتولیبرال برای تداوم استثمار در سطح جهانی است. در مقابل عده‌ای مثل گیدنز معتقدند این جامعه حکایت از مدرنیته دوم (یا فشرده یا رادیکال و یا بازتابی)

دارد. بالاخره پست مدرن‌ها معتقدند این جامعه پایان جامعه مدرن و جامعه دیگری که شکنده چند باره و از گذشته خود منقطع است، متولد شده است. به بیان دیگر اگر در جامعه‌شناسی متعارف دیدگاه‌های نظری جا افتاده‌ای در باب شناخت جامعه مدرن (به معنای شناخت جامعه متعارف صنعتی) وجود دارد اما هنوز نمی‌توان از دیدگاه‌های مسلط جامعه‌شناسی در تبیین جهانی شدن سخن گفت - گویی دیسیپلین جامعه‌شناسی جهانی شدن در حال شکل‌گیری است و هنوز به درسی استقرار نیافته است. (۳) لذا این نوشته در تبیین پدیده جهانی شدن به این نارسایی توجه داشته و تنها تبیین موقتی و آزمایشی ارائه می‌دهد.

اینک با توجه به مطالعات موجود به چهار مؤلفه جهان جهانی شده که تا حدودی روشن کننده این بافت پیچیده است، می‌پردازیم. این چهار مؤلفه دارای وابستگی متقابل به یکدیگر هستند و تقدم و تاخر زمانی آنها در این نوشته لحاظ نشده است. اولین مؤلفه، روند شفاف و ویرتینی‌تر شدن جهان است. پیشرفتهای تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات به تکوین و ظهور یک «سیستم باز اطلاعاتی» (Open Information System) در سطح جهانی کمک کرده است. این «سیستم باز» بوسیله کلیه کسانی که به تلفن، تلکس، رادیو، کامپیوتر (و اینترنت) دسترسی دارند ساخته می‌شود. این سیستم چند مرکز است نه یک مرکز، یک طرفه هم نیست بلکه چند طرفه است. در این «سیستم باز» شبکه‌های عظیم رسانه‌های دولتی و غیر دولتی، مانند تلویزیون ماهواره‌ای سی آن، بی بی سی (و صدها تلویزیون ماهواره‌ای دیگر) تنها بخشی از بازیگران آن هستند که نقش یک طرفه ندارند و امکان کنترل

جامعه ایران، مانند بقیه جوامع، در معرض فرآیندهای جهانی شدن قرار دارد. گفته می‌شود این فرآیندها بنیان‌های نهادهای اصلی جامعه مدرن و از آن جمله نهاد دولت ملی و نظام‌های دموکراتیک پارلمانی درون آن را سست می‌کند. به رغم این فرآیندهای سست کننده، در ایران «تقویت سازوکار مردم‌سالاری پارلمانی» آرمان اصلی جنبش اصلاحی دوم خرداد را تشکیل می‌دهد. لذا نتیجه گرفته می‌شود که دوم خردادی‌ها تحقق آرمانی را پیشه خود قرار داده‌اند که مقتضیات پدیده جهانی شدن مجال تقویت آن را نمی‌دهد.

به تعبیر دیگری هم این سخن گفته می‌شود: در

پدیده جهانی شدن به جامعه متعارف صنعتی

(جامعه‌ای که در چارچوب دولت ملی - State

Nation - شناخته می‌شود و رشد و تکوین آن از

غرب شروع شده و الگوی آن به سایر نقاط جهان

کسرتش یافته است) ابعاد جهانی داده است.

اگرچه گیدنز معتقد است نهادهای اصلی جامعه

مدرن (یا صنعتی) از ابتدای تکوینشان، یعنی از

چهار قرن پیش، ابعاد جهانی داشته‌اند، ولی پدیده

جهانی شدن ابعاد جهانی جامعه مدرن را بیشتر

آفتابی و همه‌جائی کرده است

شرایطی که جامعه جهانی در معرض موج سوم (منظور روندهای تقویت کننده جامعه فرا صنعتی یا اطلاعاتی یا شبکه‌ای است که نهادهای جامعه صنعتی را با جالش روبرو کرده است) قرار دارد، جنبش دوم خرداد موج دومی عمل می‌کند، یعنی از نهادها و مقتضیات جامعه صنعتی که استقرار دموکراسی‌های پارلمانی یکی از آنها است، دفاع می‌کند. برابر این سخن گویی دوم خردادی‌ها مشغول کوبیدن آب در هاون هستند.

هدف این نوشته مخالفت با این برداشت است و اثباتاً قصد دارد نشان دهد که آرمان دوم خرداد بهنگام است - بدین معنا که تقویت سازوکار مردم‌سالاری هم پاسخگوی نیازهای داخلی جامعه ایران است و هم پاسخگوی الزامات جهان جهانی شده است. استدلال این نوشته بر پایه نظرات آنتونی گیدنز جامعه‌شناس معاصر قرار دارد. از نظر او به رغم ابعاد و پیامدهای ناشناخته فرآیندهای بنیان‌کن جهانی شدن، دلایلی وجود دارد که دموکراسی‌های پارلمانی همچنان مهمترین بازیگران جهانی هستند و کشورهایی که قادر نباشند دموکراسی را با همه لوازمش، نهادینه کنند معلوم نیست در جهان کنونی چه بر سر مصالح و منافع شهروندانشان خواهد آمد. (۱) با این مقدمه، این نوشته ابتدا مؤلفه‌های جهانی شدن و آثار آن را بر دولت ملی (و دموکراسی‌های پارلمانی) مورد بررسی قرار می‌دهد و سپس از روزآمدی آرمان دموکراتیک دوم خرداد دفاع می‌کند.

پدیده جهانی شدن به جامعه متعارف صنعتی (جامعه‌ای که در چارچوب دولت ملی - Nation State - شناخته می‌شود و رشد و تکوین آن از غرب شروع شده و الگوی آن به سایر نقاط جهان کسرتش یافته است) ابعاد جهانی داده است. اگرچه گیدنز معتقد است نهادهای اصلی

انحصاری آن نیز در اختیار آنها نیست. یک مثال خیلی

ساده تا حدودی عملکرد غیرقابل کنترل این "سیستم باز" را روشن می‌کند. در جریان بحران ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ و حمله آمریکا به افغانستان، هدایت و کنترل رسانه‌های غربی در انعکاس این حادثه تا حدودی ممکن بود. ولی آمریکا نتوانست شبکه تلویزیون ماهواره‌ای الجزیره را کنترل کند همچنین نتوانست میلیونها علاقمند به اخبار غیر رسمی این حادثه را که از طریق اینترنت، خبرنگارهای الکترونیکی و اتاقهای گفتگو در اینترنت

بنیادگرایی بن لادن اولا محدود به یک فرقه افغانی در افغانستان مثل طالبان نمی‌شود بلکه آرمانی است که توسط تعداد زیادی از مسلمانان و گروههای محروم اسلامی در بیش از چهل کشور حمایت می‌شود

(Chat room) با هم ارتباط برقرار می‌کنند تحت کنترل قرار دهد. سخن و نقد روشنفکران غربی به رغم میل دولتمردان همان همزمان به گوش جهانیان می‌رسید. به بیان دیگر اگر روزی دولتهای مدرن امکان کنترل اطلاع‌رسانی را داشتند این "سیستم باز اطلاع‌رسانی" شرایطی را برای همه افراد بشر فراهم کرده است که بدون موانع زمانی و مکانی وارد این سیستم شده و از آن اثر گرفته یا بر آن اثر می‌گذارند. (۴) در نقد اهمیت و میزان فراگیری تاثیر این "سیستم" منتقدین می‌گویند در حالیکه هنوز صدها میلیون نفر از مردم جهان از داشتن تلویزیون ماهواره‌ای و کامپیوتر محرومند و دهها میلیون نفر نیز حتی به تلفن هم دسترسی ندارند مردم چگونه می‌توانند در این "سیستم باز" نقش داشته باشند؟

پاسخ آن است: اولاً این سیستم باز "بالقوه" برای همه وجود دارد و روند فزاینده بالفعل شدن آن در جریان است. کافی است به رشد تصاعدی استفاده کنندگان از کامپیوتر و ماهواره در سطح جهان نگاهی بیاندازیم. ثانیاً در میان همان اجتماعات محروم هم آن عده کمی که به این سیستم باز دسترسی دارند بدون توجه به خواست دولتها، در نت آند و بخش محروم جامعه را که در نت نیستند بطور غیرمستقیم تحت تاثیر قرار می‌دهند. از این رو به نظر می‌رسد "سیستم باز اطلاع‌رسانی" جامعه جهانی را از درون نورانی و شفاف کرده و آن را بیش از پیش ویتربینی می‌کند.

مؤلفه دوم ظهور اقتصادی فراتر از اقتصاد متعارف جهانی است. بوده‌اند جامعه شناسانی مانند مارکس و در دوران ما والرستاین که به این نکته توجه داشته‌اند که اقتصاد صنعتی مدرن از بدو پیدایش (حداقل از دو قرن پیش) جهانی عمل می‌کرده است. مکانیزم تولید مصرف و سود اقتصاد صنعتی از ابتدا در مرزهای سیاسی جوامع محدود نمی‌شده است. به همین دلیل با رشد اقتصاد صنعتی به تدریج شرکت‌های غیر دولتی چند ملیتی گسترش یافتند بطوریکه هم اکنون بخش عمده‌ای از فعالیت‌های اقتصادی جهان تحت تاثیر فعالیت این شرکتها

با اینهمه حادثه‌ای که اخیراً به مدد پیشرفت تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات اتفاق افتاده ظهور پدیده "اقتصاد بی‌وزن" است. در حالیکه میزان حجم فیزیکی مواد اولیه و کالاهایی که هم اکنون در سطح جهانی مبادله می‌شود با سه دهه پیش یکسان است اما ارزش افزوده ناشی از این فعالیت‌های اقتصادی پنج برابر شده است. گویی اقتصادی بی‌وزن (که مبتنی بر اطلاعات و ارتباطات الکترونیکی و دیجیتال است) بر فراز مرزها عمل می‌کند و ادامه حیات می‌دهد. (۵) ذکر یک مثال این روند اقتصادی را بهتر روشن می‌کند. هم اکنون گالری یا بازاری جهانی در اینترنت وجود دارد که فروشندگان و خریداران از ریز و درشت و همچنین تولیدکنندگان کالاها به طور شبانه‌روزی و به دور از کنترل دولتها می‌توانند وارد آن شوند و نیازمندیهای خود را براساس "سود متقابل" برآورده کنند و شبکه مالی - پولی جهانی نیز در خدمت عملیات

اقتصادی این گالری (یعنی توجه به عنصر جغرافیا و زمان) است. به این ترتیب اقتصاد بی‌وزن در یک طرف هر روز بیشتر از دیروز با معیشت روزانه جهانیان سروکار پیدا می‌کند و از طرف دیگر نقش کنترلی دولتها بر منابع کلیدی این اقتصاد مانند نقش کنترلی دولت بر اقتصاد جامعه صنعتی نیست.

مؤلفه سوم ظهور پدیده ریسک است که ابعاد آن جهانی است. و تاثیر آن بر زندگی تا اندازه‌ای است که جامعه شناسان از ظهور جامعه ریسکی سخن می‌گویند. بشر همواره با خطرها، تهدیدها (و ریسک‌هایی) طبیعی مانند زلزله، سیل، بیماری‌های همه گیر و کشنده روبرو بوده است ولی هم اکنون بشر با ریسک‌های تولید شده که ناشی از طبیعت نیستند بلکه ناشی از اعمال توانمندی‌های علمی و تکنولوژیک اوست. روبرو است با سلاح‌های ویرانگر اتمی، میکروبی، شیمیایی، بیماری‌های ناشی از تولیدات انبوه صنایع غذایی (مانند جنون گاوی)، تحریف محیط طبیعی و زیست بشر (و...) همگی از نمونه‌های ریسک‌ها و جهانی هستند. جامعه ریسکی به جوامع کنونی که با چارچوب دولتهای ملی (یا کشورهای متعارف فعلی) مشخص می‌شوند محدود نمی‌شود بلکه جامعه‌ای فراملی است که رفتار تکنیکی بشر در هر گوشه این جهان بر رفتار و زندگی مردم در طرف دیگر کره زمین تاثیر همه گیر می‌گذارد. (۶) بعنوان نمونه در حالیکه تعداد افرادی که در اثر بیماری جنون گاوی در یک دهه گذشته در اروپا فوت کرده‌اند کمتر از سی نفر است اما وحشت از گسترش این بیماری (بخاطر شفاف و ویتربینی شدن جهان)، همه جهان و بیشتر از همه ژاپن را که بیشتر به نت وصل‌اند فرا گرفته است. فردای انفجار در دو ساختمان بلند تجاری در نیویورک (۱۱ سپتامبر) ساکنان ساختمانها و برجهای بلند در مالزی در آن طرف جهان از شدت وحشت ساختمان‌های خود را تخلیه کردند. در همین زمان توزیع پستی میکروب بیماری سیاه زخم توسط تروریستها در آمریکا اگر چه تنها به مرگ کمتر از پنج نفر منجر شده ولی

چنان وحشتی در سراسر جهان ایجاد کرد که حتی تاروی ضد سیاه زخم در داروخانه‌های تهران نیز کمیاب شد. ویژگیهای جامعه ریسکی مشروعیت کارایی دولتهای ملی در جوامع متعارف صنعتی را با چالش روبرو کرده است زیرا این دولتها با "پدیده‌های خطر خیزی" روبرو هستند که کنترل آن در دسترس آنها نیست ولی با عواقب آن درگیرند. لذا جامعه ریسکی روزبه روز به روند رفتارهای جهانی افراد و نهادها دامن می‌زند و بدین سان به "جهانی شدن" کمک میکند.

مؤلفه چهارم، به روند رقابت ایندولوژیک در سطح جهانی مربوط می‌شود - رقابتی که میلیونها نفر را در ورای مرزها به نحوی درگیر کرده است. در دوره جنگ سرد رقابت ایندولوژیک‌های دموکراسی لیبرال با سوسیالیسم دولتی در سطح جهان لوج گرفت. در یک طرف این میدان رقابت بر اهمیت دموکراسی پارلمانی و کارایی بازار رقابتی اقتصادی (Free Market) در حل و فصل امور تاهکید می‌شد و در طرف دیگر، بر لزوم نظام تک حزبی سوسیالیستی و اقتصاد متمرکز دولتی اصرار می‌شد. حتی فروپاشی کامل بلوک شرق در آغاز دهه ۱۹۹۰ که از آن به عنوان پیروزی لیبرال دموکراسی (یا دوره "پایانها" و از آن جمله پایان ایندولوژیک) یاد کردند به این رقابت جهانی ایندولوژیک‌ها پایان نداد. هم اکنون همه شاهد رقابت ایندولوژیک اسلام سیاسی، که شکل حاد و افراطی آن بنیادگرایی اسلامی است با ایندولوژیک دموکراسی لیبرال در سطح جهانی هستیم. بنیادگرایی اسلامی به جنبه‌های ضد اخلاق جهان و جامعه مدرن سر ستیز دارد. (۷) این رقابتهای محدود به گروههای سیاسی در چارچوب دولتهای ملی نیست بلکه ابعاد چشمگیر جهانی پیدا کرده است. بعنوان نمونه بنیادگرایی بن لادن اولاً محدود به یک

**مؤلفه دوم ظهور
اقتصادی فراتر از اقتصاد
متعارف جهانی است.
بوده‌اند جامعه شناسانی
مانند مارکس و در
دوران ما والرستاین
که به این نکته توجه
داشته‌اند که اقتصاد
صنعتی مدرن از
بدو پیدایش
(حداقل از دو قرن پیش)
جهانی عمل می‌کرده است**

فرقه افغانی در افغانستان مثل طالبان نمی‌شود بلکه آرمانی است که توسط تعداد زیادی از مسلمانان و گروههای محروم اسلامی در بیش از چهل کشور حمایت می‌شود. بدین ترتیب این رقابتهای فراملی ایندولوژیک و جنبه‌های



مهمترین نیاز جامعه ایران ثبات پایدار سیاسی (برای تداوم توسعه همه جانبه) کشور در اوضاع متحول جهان امروز است.

در چارچوب سازوکارهای مردم سالاری این امکان فراهم می شود که تنوع افکار و سلايق موجود در جامعه نادیده گرفته نشود

اجتماعی متناظر آنها، همگی به روند جهانی شدن امور مردم کمک می کنند.

در واقع بافت پیچیده جهانی شدن بشر را وارد شرایط جدیدی کرده است. در شرایط کنونی بشر جدای از اجتماعات و جوامع مادلوف خود (مثل خانواده، فامیل، قوم، شهر و کشور) در جامعه نا مادلوف جدیدی که "جهانی" است، وارد شده است که از این جامعه جهانی با عناوین ریسکی، ویتیتی، مبتنی بر اقتصاد بی وزن و مملو از رقابت های ایدئولوژیکی یاد کردیم. از نظر جامعه شناسان متاخر این "وضعیت جدید جهانی" اغلب نهادهای جامعه متعارف صنعتی (یا مدرن) را، که مهمترین آنها "نهاد دولت ملی" است با چالش روبرو کرده است. گیدنز در پانزده سال گذشته کوشش فراوانی برای شناخت عملکرد این وضعیت جدید داشته است. او متواضعانه اعلام می کند که توانایی شناخت کامل "وضعیت جدید جهانی" را که در پیش رو داریم ندارد، دامنه نهییدها و فرصتهای آن را نمی دانیم. (خصوصا نگرانی شدیدی از ظهور جهان چهارم، که در آن شبکه جهانی قاچاق و جنایت عوفا می کند وجود دارد - که بحث از عملکرد این جهان نیازمند نوشته مستقلی است.) او امیدوار است که با بازسازی جامعه شناسی متعارف (و علوم انسانی)، بازیگری در نقش های متعارف نهادهای جامعه مدرن از آن جمله نهاد دولت ملی، ناسی همه بازیگران عرصه جهانی به دمکراسی، تقویت نگرش جهانی در اهداف جنبش های اجتماعی، و انجام مستمر گفتگوهای

جهانی بتوانیم از تواناییهای این وضعیت جدید برای مهار ریسک های آن استفاده کنیم.

گیدنز قبول می کند که پدیده جهانی شدن فضاهای اجتماعی را به شدت (بر فراز مکان و زمان) توسعه داده، روابط اجتماعی را جهانی کرده، بازیگران قראطلی را افزایش داده بطوریکه در کنار سازمانهای بین المللی، شرکت های چند ملیتی، جنبشهای اجتماعی، ائتلاف ها، هویتها و شخصیتها [و ...] نیز در عرصه جهانی نقش بازی می کنند. با این همه او با ذکر حفاقل سه دلیل اعتقاد دارد که "دولتهای ملی" که دمکراسی

است اما عمر این شرکتها به پایداری عمر دولتهای ملی نیست. این امکان وجود دارد که هر یک از این شرکتها در اثر نوسانات اقتصادی در هم ادغام یا حتی منحل شوند. دوم، دولتها سرزمین مشخص دارند و در محدوده آن می توانند قانونگزاری و سیاستگزاری کنند و سازمان های بروکراتیک و اداری بزرگ مجری این سیاستها هستند. سوم، دولتها برای اجرای فرامین خود قدرت نظامی و پلیس را در اختیار دارند و شرکتهای چند ملیتی و سایر بازیگران جهانی از این ابزارها محرومند. با این وجود گیدنز به همه دولتها هشدار می دهد که پدیده جهانی شدن ویژگی های منحصر بفرد دولتهای ملی مانند کنترل منابع قدرت نظامی (و اقتصادی و اطلاعاتی) را با بحران روبرو کرده است. همچنین دولتها با ریسکهای جهانی و با قدرت اجتماعی جنبش های جهانی روبرو هستند. (۸) لذا بدون تجدیدنظر در نقش دولتها، آنها قادر نخواهند بود در دریای متلاطم جهان کنونی زندگی شهروندان خود را سامان دهند.

گیدنز، با الهام از ژوبود هک معتقد است نقش دولتهای ملی (یا دمکراسی های پارلمانی کنونی) از چهار طرف باید مورد بازبینی و اصلاح سازمانی و نهادی قرار گیرد. از طرف بالا، دولتها باید نقش بین المللی خود را که از آن به عنوان "دولت بین المللی ضعه" یاد می شود، سازماندهی کنند. جزو غیر این صورت نسبتاً قدر مهابت جهانی که در خارج از مرزهایشان بر آنها وارد می شود، نقش موثر ایفا کنند. از

سازوکارهایی "عدم تمرکز" دولتها قادر به پاسخ گویی انتظارات فزاینده مردم نخواهند بود و با بحران مشروعیت روبرو می شوند. و بالاخره دولتها از دو طرف باید سازوکارهایی را که به «همکاری های منطقه ای» منجر می شود، تقویت کنند.

بلون تثبیت همکاری های منطقه ای، دولتهای بین المللی شده قادر به ایفای نقش جهانی نیستند. از نظر گیدنز اگر دولتهای ملی این بازسازی و اصلاحات چهارطرفه را جدی نگیرند، در برابر شهروندان خود با بحران های جدی روبرو شده و خواهند شد.

(۹) به همین دلیل است که در سال های اخیر دولتهای دمکراتیک غربی به طور جدی در حال بازسازی سازوکارهای محلی، تقویت اتحادیه منطقه ای اروپا و پیگیر پیشنهاد های جدید برای سازماندهی مجدد سازمان ملل هستند و پس از حادته یازده سپتامبر این روند سریعتر و صریحتر شده است.

آرمان دوم خرداد

به رغم اهمیت آثار جهانی شدن بر دولتهای ملی و دمکراسی های پارلمانی، همچنان که گیدنز تاکید می کند دولتهای دمکراتیک به شرط بازسازی سازمانی و نهادی، بازیگر اصلی عرصه جهانی خواهند بود. از آنجا که تقویت و سازوکارهای مردم سالاری در سیاست ایران هدف اصلی جنبش اصلاحی دوم خرداد را تشکیل می دهد، می توان گفت این هدف یا مقتضیات پدیده

جهانی شدن هماهنگی دارد و آرمان مردم سالاری آن روز آمد و جهان گرا است. لذا این گفته منتقدین (که از موضع بست مدرنی صورت می گیرد) که هدف دوم خرداد را «امنده» و مربوط به دوران سرمایه می دانند، گفته دقیقی نیست. (۱۰) این منتقدان به ابعاد جامعه شناختی جهانی شدن توجه جدی نشان نمی دهند.

چرا «آرمان دمکراسی» پاسخگو نیازهای داخلی ماست؟ مهمترین نیاز جامعه ایران ثبات پایدار سیاسی (برای تداوم توسعه همه جانبه) کشور در اوضاع متحول جهان امروز است. در چارچوب سازوکارهای مردم سالاری این امکان فراهم می شود که تنوع افکار و سلايق موجود در جامعه نادیده گرفته نشود.

حتی برای کسانی که از اندیشه حکومت غیردمکراتیک دینی دفاع می کنند، تنها راه دفاع از این اندیشه تن دادن به دمکراسی است. زیرا پیاده کردن اندیشه آن ها در جامعه مستلزم رضایت و همراهی مردم است در غیر این صورت مجبورند اندیشه خود را به جامعه تحمیل

شوش جهانیان شاهدند که فرسنگی

دولت خاتمی در سیاست خارجی به جای تخاصم، کینه و مرگ پروری از اصل گفت و گو، تفاهم و همزیستی در میان کشورها دفاع می کند. اگر گرایش ضد مردم سالار محافظه کاران و بنیادگراها، بر جامعه ایران غلبه داشت

طرف پایین دولتها باید به سازوکارهای "عدم تمرکز" تن بدهند. زیرا پدیده جهانی شدن، جامعه مدرن و مدرنیته را رادیکال تر می کند. به این معنا که اگر قبلا تنها اقشار تحصیل کرده این امکان را پیدا می کردند که از اصل "حق انتخاب" دفاع کنند، اینک همه مردم کوچک و بزرگ (انتم از شهری و روستایی) به "حق انتخاب" خود آگاه شده اند. لذا روند انتظارات مردم روز به روز مازادتر می شود و جز با

پارلمان سازوکار اصلی آن هاست همچنان بازیگران اصلی در جهان جهانی شده هستند. حتی اگر روزی پدیده جهانی شدن چنان جهان را "کوچک" و "فشرده" کند که زمینه تشکیل حکومت فدرال جهانی فراهم شد باز دولتهای ملی کنونی بازیگران اصلی این حکومت جهانی خواهند بود. دلیل اول آنکه اگرچه در جهان کنونی درآمد تعدادی از شرکت های چند ملیتی از درآمد بعضی از کشورها بیشتر



کنند و این اقدام زمینه‌ساز بحران و بی‌ثباتی است. اما چرا دفاع از «آرامش دموکراسی» پاسخگوی الزامات جهانی جهانی شده است؟

زیرا همان طور که گفته شد سرنوشت همه جوامع به یکدیگر مرتبط شده، جامعه به طور روزافزون در معرض تأثیرات پدیده‌های فراملی مانند ریسک اقتصاد و جنبش‌های جهانی (مانند جنبش حقوق بشر) است که گریزی از آن‌ها نیست. لذا راهی جز تن دادن به سازوکارهای دموکراتیک در عرصه جهانی، منطقه‌ای و محلی وجود ندارد. جنبش‌ها و روش‌های بنیادگرا در رویارویی با چالش‌های جهانی در نهایت به روش‌های تروریستی بین‌لادن و طالبانیسم ختم می‌شوند.

بنیادگرایی به «گفتگو» و نتایج آن براساس حق «برابر سیاسی» اعتقادی ندارد. شکست و سرنوشت بین‌لادن و طالبانیسم نشان داد بهترین روشی که مسلمانان جهان برای پی‌جویی اهداف منافع و مصالح خود می‌توانند دنبال کنند تمسک به روش‌های دموکراتیک مبارزه است، نه بنیادگرایی. این که می‌بینیم پس از یازده سپتامبر، جامعه ایران یا بحران‌های جامعه عربستان سعودی، مصر و پاکستان، که از تحریک و توسع بنیادگرای کشورهای ناشی می‌شد، روبه‌رو نبود بلکه معلی دارد.

از جمله علل آن این است که بیش از پنج سال است که جنبش مردم‌سالار در این جامعه فعال شده و جهانیان شاهدند که دولت خاتمی در سیاست خارجی به جای تخصص، کینه و مرگ‌پروری، از اصل گفت‌وگو، تفاهم و همزیستی در میان کشورهای دفاع می‌کند.

اگر گرایش ضد مردم‌سالار محافظه‌کاران و بنیادگراها، بر جامعه ایران غلبه داشت معلوم نبود در بحران جهانی پس از یازدهم سپتامبر چه بر سر مصالح این کشور می‌آمد. در انتها به دو نکته باید توجه کرد: اول، مهمترین چالش‌های جنبش دوم خرداد و دولت مورد حمایت آن در این پنج سال مربوط به موانع داخلی دموکراسی در ایران بوده است. به عبارت دیگر چالش‌های فعال جامعه ایران، چالش‌های دموکراسی‌های متعارف هستند. یعنی بخشی از گروه‌های اجتماعی و سیاسی باصل برقراری سازوکار دموکراسی مخالف هستند. محافظه‌کاران به عنوان

یک نیروی سیاسی اجتماعی همچنان تمام توان خود را در جهت حمایت از «نظرات حاکمیتی استخوانی» به کار می‌گیرند.

به موجب آن حقوق سیاسی برابر شهروندان نادیده گرفته می‌شود و دیگر چیزی از مردم‌سالاری باقی نمی‌ماند.

لذا این چالش درونی باعث شده که جامعه ایران نتواند به چالش‌های دموکراسی که از پدیده جهانی شدن ناشی می‌شود، بپردازد.

به بیان دیگر در سیاست ایران هنوز توجه‌ها به لزوم یازبیتی و اصلاح سازمانی در جهت ایجاد بین‌المللی، منطقه‌ای و محلی آن چنان که باید مصروف نشده و این مباحث هنوز به ط

جدی وارد عرصه عمومی نشده است و از این لحاظ باید یک عقیافت‌گذاری «محلی جهانی» روبه‌رو هستیم. به عنوان مثال پس از یک دهه ایران هنوز نتوانسته است به سازمان اقتصاد جهانی بپیوندد (شاید کشور ما جزو آخرین کشورهای جهان باشد که به این کاروان خواهد پیوست) و یا هنوز دولت نتوانسته سازوکار عدم تمرکز را، با توجه به اصل یازنده قانون اساسی، که در آن حقوق

باید فهمیده شود. لذا به جای جدی گرفتن پیامدهای پدیده جهانی شدن به دنبال مهار ماهواره‌ها، کنترل اینترنت و محدود کردن افراد گروه‌ها و مسئولیتی هستند که دموکراسی را جدی گرفته‌اند - حتی از فشار بر مسئولیتی که با رای مردم انتخاب شده‌اند، دریغ نمی‌کنند. این جهت‌گیری محافظه‌کاران یکی از موانعی است که باعث می‌شود ایران نتواند در جهان جهانی شده بیش از این نقش بازی کند و گویی آنان به بیماری «تاخر جهانی» دچار شده‌اند - در حالی که مردم ایران سال‌ها است شایستگی دموکراتیک خود را در اندازه‌های جهانی نشان داده‌اند.

پی‌نوشتها

۱- اغلب کتاب‌های گینتز در ده سال گذشته به نحوی به بحث «مدرنیته» و «جهانی شدن» مربوط می‌شود. آخرین کتاب‌های او که به زبان فارسی ترجمه شده و در ربط با موضوع این نوشته است بدین شرح است. گینتز، آنتونی، ترجمه سعیدی، علی اصغر، جهان رها شده (تهران: نشر علم و ادب، ۱۳۷۹)؛ گینتز، آنتونی، ترجمه سعیدی علی اصغر، معنای مدرنیته: گفتگو با گینتز (تهران: نشر کویر، ۱۳۸۰).

۲- تعریفی که در این نوشته ارائه شد برداشت نگارنده از نظرات گینتز است. برای آشنایی با تعاریف گوناگون «جهانی شدن» و نگاهی انتقادی به آنها نگاه کنید به: (London: Polity Press, ۲۰۰۰), pp. ۱۷-۲۲. Beck, B., What Is Globalization

۳- برای آشنایی با این مباحث و اختلاف نظرهایی که وجود دارد نگاه کنید به: رابرتسون، رونالد، ترجمه پولادی،

فرهنگی اقوام محترم شمرده شده است، پیاده کند. به میزان رشد اندیشه‌ها و اقدامات اصلاحی در عرصه عمومی، ایران قادر خواهد بود این «تاخر جهانی» را جبران کند. نکته دوم، متأسفانه محافظه‌کاران، به عنوان یک نیروی مهم اجتماعی و سیاسی، هنوز به پیامدها و «تخصیصات جهانی شدن» توجه نکرده‌اند.

تا جایی که جهانی شدن را «جهانی سازی» می‌داند و معتقدند که این پروژه توسط آمریکایی‌ها تحت عنوان «نظم نوین جهانی» در جریان است. از نظر آنان حتی بازار گرم دموکراسی در ایران در چارچوب توطئه آمریکا و غربی‌ها

اگر گرایش ضد مردم‌سالار محافظه‌کاران و بنیادگراها، بر جامعه ایران غلبه داشت معلوم نبود در بحران جهانی پس از یازدهم سپتامبر چه بر سر مصالح این کشور می‌آمد. در انتها به دو نکته باید توجه کرد: اول، مهمترین چالش‌های جنبش دوم خرداد و دولت مورد حمایت آن در این پنج سال مربوط به موانع داخلی دموکراسی در ایران بوده است. به عبارت دیگر چالش‌های فعال جامعه ایران، چالش‌های دموکراسی‌های متعارف هستند.

کمال جهانی شدن (تهران: نشر ثالث، ۱۳۸۰) صص ۳۳-۷۸.

۴- گیدنز، آنتونی، جهان رها شده، صص ۳۳-۳۶.

۵- همان، صص ۳۱-۳۲.

۶- برای آشنایی با جامعه ریسکی نگاه کنید به: Beck, B. Risk Society: Toward a New Modernity (London: SAGE, ۱۹۹۲) Publication.

۷- برای آشنایی با رقابت‌های ایدئولوژیکی و جنبش‌های متناظر با آن در عصر جهانی شدن نگاه کنید به:

کاستلز، مانوئل، ترجمه چاووشیان، حسن، قدرت هویت (تهران، نشر طرح نو، ۱۳۸۰) صص ۹۷-۱۴۲.

۸- آنتونی گیدنز، ترجمه صبوری کاشانی، منوچهر، راه سوم (تهران: نشر شیرازه، ۱۳۷۸) صص ۸۹-۷۹.

۹- برای آشنایی با مباحث انتقادی و تجویزی درباره دموکراسی‌های پارلمانی با توجه به فرآیندهای جهانی شدن نگاه به:

Held, D., Democracy and the Global Order (London, Polity Press, ۱۹۹۵).

۱۰- برای آشنایی با این نظرات یادداشت‌های صفحات لایه روزنامه حیات‌نو در یکسال گذشته نمونه خوبی است.

بعنوان آخرین شاهد مثال مراجعه کنید به روزنامه ۸۰/۹/۱۰ صفحه سه یادداشتی تحت عنوان: آنان که همچنان بر مطالبات موج دومی اصرار می‌ورزند، بقلم محمد حسین ادیب.

